

پژوهشنامه عرفان

دوفصلنامه علمی، سال سیزدهم،

شماره بیست و هشتم،

بهار و تابستان ۱۴۰۱،

صفحات ۱۵۹-۱۲۷

بررسی کنش‌های گفتاری در کشف‌المحجوب هجویری

با تکیه بر نظریه سرل

رقیه صدراپی *

چکیده: کشف‌المحجوب از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین متون نثر عرفانی است؛ به همین دلیل از زوایای مختلف مورد توجه محققان ادبی به‌ویژه عرفان‌پژوهان بوده است. در این مقاله، بارویکردی نو و براساس نظریه کنش‌گفتاری جان راجرز سرل و طبقه‌بندی پنج‌گانه او از کنش‌های گفتاری و نمونه‌برداری سیستماتیک، پاره‌گفتارهای کشف‌المحجوب، تحلیل شده است. از دیدگاه سرل هر شخص هنگام سخن گفتن فعلی را انجام می‌دهد و مخاطب با توجه به بافت آن را درک می‌کند. و مقصود از فعل (کنش) گفتاری به معنای خاص آن کاری است که گوینده ضمن سخن انجام می‌دهد. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی کنش‌های گفتاری در متن کشف‌المحجوب را واکاوی می‌کند. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد کنش‌های گفتاری اظهاری بیشترین بسامد را دارد.

کلیدواژه‌ها: کشف‌المحجوب، گفتمان عرفانی، کنش‌های گفتاری، نظریه

سرل

*دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.

e-mail: roghiesadraie@yahoo.com

مقاله علمی - پژوهشی است. دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۲/۱۶؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۳/۸

مقدمه:

نظریه کنش‌گفتاری زیرمجموعه نظریه تحلیل‌گفتمان و تحلیل و کاربردشناسی متن است و هدف این نظریه دستیابی به لایه‌های مختلف معنا در متن است. تحلیل‌گفتمان نوعی مطالعه میان‌رشته‌ای است و ریشه در زبان‌شناسی همگانی داشته و رفته‌رفته در دیگر علوم چون روانشناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، هنر و ادبیات نیز راه یافته است. اصل اساسی این نظریه گفتاری آن است که هیچ مکالمه‌ای در خلاء رخ نمی‌دهد. شناخت و توجه به بافت ضروری است. در تحلیل و تفسیر کنش‌های گفتاری هر متنی توجه به بسترهای اجتماعی، تاریخی و ادبی آن متن اهمیت بسیاری دارد. این دیدگاه مخالف برخی دیدگاه‌های نقدی نوین یا ساختگرایی فرانسوی است که متن را بدون در نظر گرفتن بافت گفتمانی و اجتماعی آن بررسی می‌کنند. چنین نگاهی در مطالعه متون مذهبی از اهمیت بسیاری برخوردار است (معصوم و رادمرد، ۱۳۹۴: ۱۴۲). از طرف دیگر، زبان‌شناسی کاربردی توانسته تا حد زیادی کاربرد زبان را در موقعیت‌های درونی و برونی متن بیابد. متون مقدس دینی از جمله متونی است که به دلیل داشتن شرایط خاص و تقدس‌گوینده و متن با هر نظریه سازگار نیست. نظریه کنش‌گفتاری یکی از نظریه‌های مهم کاربردشناسی و اخیراً تحلیل‌گفتمان انتقادی که در دو حوزه فلسفه زبان و دین تأثیر گذاشته است (پهلوان‌نژاد و رجب‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۷). هجویری یک مسلمان واقعی و صوفی صافی بود که عمل به شریعت را در همه احوال ضروری می‌دانست و پیروان واقعی را ملزم به پیروی از کتاب و سنت و اجماع می‌کرد و سالیان دراز رنج سفر را تحمل کرد و در محضر علما و مشایخ زانوی ادب زد و به کسب علم و معرفت پرداخت و مناعت طبع و قناعت را در طول زندگی پیشه خود قرارداد و هرگز دامان خود را به طمع دنیا نیالود و عمر خود را در کسب علوم دینی نزد علما و مشایخ و ترویج دین و ارشاد سالکان سپری کرد. در این راستا آثار زیادی را به زینت طبع نگاهشت. کشف‌المحجوب از آثار تعلیمی و نخستین کتاب درباره تصوف به زبان فارسی است. این اثر اطلاعات فراوانی درباره تصوف و موضوعات مربوط به آن در اختیار قرار می‌دهد و به عنوان یک گفت‌مان دینی - عرفانی به بیان رسوم طریقت، کیفیت مقامات، رموز و اشارت و سایر مراتب سیر و سلوک و آرای مشایخ تصوف می‌پردازد. این اثر که به درخواست یکی از دوستان او به نام ابوسعید هجویری تالیف شده حاوی نکات ارزنده زیادی است و دغدغه هجویری در آموزش معارف دینی و آلوده شدن صوفیان به

ظواهر دنیایی را نشان می‌دهد. به همین دلیل نگارنده در این مقاله سعی کرده تالیه‌های معنایی و محتوایی این رساله را با توجه به بافت اجتماعی و تاریخی بررسی و تحلیل نماید.

پس از دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی عمیق سدهٔ اخیر، تئوری‌های ادبی و فلسفی دچار جهت‌گیری‌های جدید شدند و بسیاری از فلسفه‌های جزمی و قوام‌یافته یا به آفت گروید و یا به ابطال گرفتار آمد. ظهور پسامدرنیسم و ابراز تئوری‌هایی همچون شالوده‌شکنی و ساختارگرایی و تأویل متن و ... ادبیات جهانی را دچار دگرگونی‌های شگرفی کرده است. منتقدان و اندیشمندان فلسفه هنر و ادبیات، آن را به لرزه‌نگاری مانند کرده‌اند که حتی کوچک‌ترین لرزه‌های اجتماعی را ثبت می‌کند و نیز آن را از مهم‌ترین نمایه‌های هویت هر ملتی دانسته‌اند و ارائهٔ دیدگاه‌های زیباشناختی و جامعه‌شناختی، تأثیر غیرقابل انکار بر ادبیات و به طبع آن، مخاطب عام گذاشته است (کا که رش ۱۳۸۸: ۱۵۹-۱۳۱).

نظریه کنش‌گفتاری یکی از مهم‌ترین تئوری‌های جدید و مطرح در زبان‌شناسی و تحلیل‌گفتمان است.

گفتمان مجموعه پیچیده‌ای از رفتارهای زبانی به هم مرتبط و پی‌درپی است که به صورت نمونه‌های نوشتاری، گفتمان و نشانه‌شناختی تجلی می‌یابد و به لحاظ مضمون و درون‌مایه به هم مرتبط و به انواع خاص گونه‌ها وابسته‌اند (Wodak, 2001, 66).

تحلیل‌گران گفتمان بر این باورند که گفتمان شکلی از کاربرد زبان است. به اعتقاد دومینیک منگونو هر عمل زبانی دارای یک ویژگی هدف‌دار است (Maingueneau) 1996: 15. امروزه سخن‌کاوی یا همان تحلیل گفتمان تبلور و شکل‌بندی معنا و پیام واحدهای زبانی در ارتباط با عوامل درون‌زبانی و بیرون‌زبانی را بررسی می‌کند (لطفی پورساعدی، ۱۳۷۹: ۱۰).

کنش‌گفتاری یکی از مباحث مهم زبان‌شناسی و مؤثر در نقد روابط اجتماعی است به طوری که با بررسی پاره‌گفتارهای یک متن می‌توان پرده از روابط اجتماعی آن اثر برداشت. این نظریه ابتدا به وسیله استین (Astin.j) ارائه شد؛ سپس شاگردش سرل (Seale.j) آن را تکمیل کرد.

کشف‌المحجوب اثری ارزنده و کم‌نظیر در شریعت و طریقت است که به درخواست یکی از دوستان هجویری در پاسخ به پرسش‌های او تألیف شده و به عنوان یکی از قدیمی‌ترین کتبی است

که به زبان فارسی نگاشته شده است و بعدها مأخذ کتاب‌های عرفانی شده، از جمله جامی در *نفحات الانس* از این کتاب تأثیر گرفته است. مباحث ارزنده این کتاب شامل اثبات علم، تصوف، مرقعه پوشیدن، اقوال کبار مشایخ، آداب و رسوم تصوف و دیگر نکات ارزنده است. هجویری همواره روش صوفیان خالص را معرفی می‌کند و آن‌ها را از آلوده شدن به ظواهر برحذر می‌دارد. هدف اصلی از نگارش این مقاله، بررسی و تحلیل لایه‌های معنایی در *کشف‌المحجوب* با توجه به موقعیت اجتماعی و تاریخی آن زمان است.

هرچند که در متون ادب فارسی، تحلیل متون براساس نظریه فوق به ندرت صورت گرفته و اساساً تئوری جدیدی است، اما در ارتباط با موضوع مورد بررسی در این حوزه پژوهش‌هایی صورت گرفته است که به مهم‌ترین آن‌ها، اشاره می‌کنیم:

شاید قدیمی‌ترین مقاله‌ای که اشاره‌ای به فعل گفتاری داشته از احد فرامرزی با عنوان *تمایز خبر از انشا نزد منطقیون مسلمان (۱۳۷۲)* بوده که به شرح جمله‌های خبری، انشایی نزد بزرگان اهل منطق پرداخته و افعال گفتاری از دیدگاه آستین و سرل را نقد و بررسی کرده است.

محمد عموزاده، محمود رمضان‌زاده (۱۳۸۵) در مقاله «کنش‌های گفتاری و اهمیت آن در تحلیل متن»، مبانی نظری کنش‌های گفتاری از دیدگاه آستین و سرل را به‌طور مختصر بررسی کرده‌اند، سپس رابطه کنش‌های گفتاری به عنوان سازوکاری قابل انعطاف برای تحلیل متن و در مقوله ادب، به راهکارهای «ملاحظه‌کاری» و «گذشت» به عنوان دو راهکار مهم برای حفظ ادب در کنش‌های گفتار اشاره کرده‌اند. این مقاله دارای فضل تقدم بر چنین مطالعاتی است.

سوسن جبری و مریم جعفری (۱۳۹۵)، با نگارش مقاله «بازتاب شرایط اجتماعی در تحلیل کنش‌های گفتاری تفسیر عرفانی *کشف‌الاسرار*»، بسیار دقیق به بررسی کنش‌های گفتاری در بخش تفسیر عرفانی *کشف‌الاسرار* و *عده‌الابرار*، برپایه نظریه جان راجرز سرل و طبقه‌بندی پنج‌گانه او از کنش‌های گفتاری پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که بیشترین بسامد را کنش‌های اظهاری با حدود ۵۵٪ از کل کنش‌ها دارد و تحلیل کنش‌های گفتاری، موضع پنهان‌مبیدی را نسبت به جریان‌های فکری دوران‌ش بازمی‌تاباند و حضور او را در گیرودار جدال میان اهل شریعت و اهل طریقت و نگرش انتقادی او و راهبرد گزیده‌مبیدی را به جریان‌های فکری روزگارش آشکار می‌سازد.

مریم جلالی و معصومه صادقی (۱۳۹۴)، مقاله «کنش‌های گفتاری و ارتباط آن با جنسیت و طبقه اجتماعی در گرشاسب‌نامه» را نوشته و ارتباط کنش‌های گفتاری با وضعیت اجتماعی اشخاص موجود در اثر سنجیده شده و نشان داده‌اند که میان زنان و مردان در جامعه معرفی شده در گرشاسب‌نامه نابرابری‌های جنسیتی وجود دارد.

«تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج البلاغه براساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌گفتاری»، از مریم فضائلی و محمد نگارش (۱۳۹۰)، «تحلیل متن‌شناسانه زیارت‌نامه امام رضا(ع) برپایه نظریه کنش‌گفتاری» (۱۳۸۹) پهلوان‌نژاد و رجب‌زاده نظریه کنش‌گفتاری آستین و فهم زبان قرآن از ساجدی (۱۳۸۱)، تاحدی توانسته‌اند روشمند به تحلیل متن ازدیدگاه سرل پردازند.

تأثیر بافت زمانی - مکانی بر تحلیل کنش‌گفتاری، مقایسه فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم به نگارش سید محمد حسینی معصوم و عبدالله رادمرد، یکی دیگر از چنین مطالعاتی است.

این مکتوب در پی پاسخ به پرسش‌هایی است که مهم‌ترین آن‌ها به این ترتیب است:

- کنش‌های گفتاری در کشف‌المحجوب براساس نظریه سرل چگونه طبقه‌بندی شده است؟
- کدام یک از کنش‌های گفتاری در کشف‌المحجوب بسامد بیشتری دارد؟
- علت بسامد بالای بعضی از کنش‌های گفتاری چیست؟

۱. نظریه کنش‌گفتاری

جان لانگشاو استین فیلسوف انگلیسی و چهره برجسته مکتب فلسفی زبان روزمره و بنیان‌گذار نظریه کنش-گفتاری است. نظریه استین تحلیل انواع مختلف کارهایی که با زبان می‌توانیم انجام دهیم شروع می‌شود. به‌طورکلی این نظریه به نقش‌های فعل و به دنبال آن جمله درفرایند گفتار می‌پردازد. استین در این نظریه مطرح نمود که مقدار قابل توجهی از گفتار نوشتار ما یا عین عمل هستند و یا بخشی از عمل می‌باشند. این نوع از گفتار یا نوشتار حاوی افعالی هستند که آن‌ها را افعال کنشی می‌نامیم (آقا گل‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۴۸).

استین سه سطح متفاوت از افعالی که انسان هنگام سخن گفتن انجام می‌دهد ارائه نمود:

الف. کنش بیانی: اظهار عبارت‌هایی که معنا و مصداق ندارند؛
 ب. کنش منظوری: گوینده از اظهارات خود مقصود خاصی دارد؛
 پ. کنش تأثیری: کلام معنادار در شنونده تأثیر خاصی دارد (پایا، ۱۳۸۳: ۴۴).
 بعدها سرل کاستی‌های این نظریه را برطرف کرد و دسته‌بندی پنج‌گانه را برای کنش‌های گفتاری ارائه نمود

کنش تعهدی، کنش عاطفی، کنش اعلامی (Searle, 1999: 349-369)، به‌طورکلی اظهارات، ادعاها، نتیجه‌گیری‌ها، بیانات، تأکیدات، توصیفات و ابراز حقایق و مانند این‌ها که گوینده در آن، جهان خارج را آن‌گونه باور می‌کند به تصویر می‌کشد به آن کنش اظهاری گویند (یول، ۱۳۸۳: ۵۳). کنش ترغیبی هم به آن دسته کنش‌های گفتاری اطلاق می‌شود که مخاطب را جهت انجام کاری ترغیب می‌کند و او را در حال تکلیف و اجبار برای انجام عملی قرار می‌دهد، گوینده سعی می‌کند کاری کند که چیزهایی انجام شود و جهان را با محتوای گزاره‌های که شامل عملی آتی شنونده است تطبیق دهد (یول، ۱۳۸۳: ۵۴).

افعال کنشی ترغیبی شامل خواستن، توانستن، بایستن، لازم بودن، دستور دادن، دعوت کردن، اجازه دادن، سوال کردن، بازخواست کردن، اطلاعات درخواست کردن، توضیح خواستن و... است (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۶۸). اما کنش تعهدی، آن دسته از کنش‌های گفتاری‌اند که در آن‌ها گوینده خود را ملزم به انجام کاری در آینده می‌کند؛ بنابراین بیانگر قصد گوینده از این کنش‌ها دربرگیرنده وعده‌ها، تهدیدها، سربازدن‌ها و تعهدها است (یول، ۱۳۸۳: ۷۵). کنش عاطفی به‌نوعی کنش گفتاری است که احساسات گوینده را از جهان خارج نشان می‌دهد. این بیان شامل حالات روانی و نیز نمود احساساتی از قبیل شادی، درد، علاقه، تنفر، لذت یا غم است (یول، ۱۳۸۳: ۷۴). درحالی‌که کنش اعلامی شامل کنش گفتاری است که به محض بیان آن‌ها در جهان بیرون تغییراتی واقعی ایجاد می‌شود (Searle, 1999: 17). از آنجاکه مؤثرترین این کنش‌ها وابسته به نهادهای اجتماعی و قانونی است می‌توان آن‌ها را کنش‌های نهادینه نامید. افعال کنش گفتاری اعلامی شامل: انتصاب-کردن، اعلام نمودن، آغاز کردن، پایان دادن، نام گذاردن، به‌کارگماردن، محکوم کردن، تحریک کردن، به عقد ازدواج درآوردن و... می‌شود.

اعمالی که پاره‌گفتارها انجام می‌دهند کنش گفتاری می‌نامند (یول: ۱۳۸۳:۶۶). در نظریه کنش گفتاری پاره‌گفتارها به عنوان واحد تحلیل به کار می‌رود. کریستال می‌گوید: زبان‌شناسان در تجزیه و تحلیل کلام پاره‌گفتار را به عنوان واحد تحلیل به کار می‌برند (Crystal, 1985:322). از منظر کنش گفتاری می‌تواند یک کلمه، یک گفتمان کامل یا اثر ادبی باشد، اما اصول تحلیل یک پاره‌گفتار تک‌جمله‌ای و یک قطعه طولانی یکسان است. بنابراین می‌توان بخشی از یک متن را انتخاب و تحلیل کرد (Botha, 1991 : 295).

نظریه کنش گفتاری یکی از نظریه‌هایی است که در گزاره‌های دینی و عرفانی مورد توجه خاص قرار گرفته است. زیرا متون دینی در اعصار مختلف و متناسب با شرایط زمان کاربردهای خود را دارند. تصوف و عرفان اسلامی که برگرفته از علوم دینی است زبان منظوری خاص خود را دارد و بافت‌های مختلف تاریخی اجتماعی موقعیتی در تحلیل این متون اثرگذار است. با توجه به کاربردشناسی جدید که بر مسائل مهم چون بافت و اهداف فرستنده پیام تأکید می‌کند (ترکاشوند، ۱۳۹۲: ۶۳)، در اینجا براساس اهداف تحقیق پاره‌گفتارهایی از کشف‌المحجوب را براساس نظریه سرل تحلیل می‌کنیم:

۲. تحلیل کنش‌های گفتاری براساس نظریه سرل

پیش از پرداختن به متن، ذکر این نکته حائز اهمیت است که بررسی و تحلیل کل پاره‌گفتارهای این کتاب از مجال این پژوهش خارج است؛ بنابراین به صورت گزینشی و اهم آن‌ها را نقد و بررسی می‌کنیم.

کتاب با حمد در ستایش خداوند شروع می‌شود و بعد پیامبر و اصحاب او را مخاطب قرار می‌دهد. «الحمد لله الذی کشف لاولیائه بواطن ملکوتیه و قشع لاصفیائه سرایر جبروته...» (هجویری، ۱۳۷۶: ۱).

هجویری در آغاز سخن، به صراحت بیان می‌کند که خداوند اسرار و پرده‌های غیبی را برای اولیا و برگزیدگان و عاشقانه خود می‌گشاید و با براعت استهلال هدف از نوشتن کتاب و محتوای آن را برای مخاطبان بیان می‌کند. (کشف و پرده‌برداری از باطن ملکوت برای اولیا و اسرار جبروت برای اصفیا...). با توجه به اعتقاد و ایمان مؤلف تصریح در بیان هدف پاره‌گفتار اظهاری است.

طریق استخارت سپردم: (هجویری، ۱۳۹۳: ۱). واژه استخاره یعنی طلب خیر کردن بیانگر کنش ترغیبی است زیرا هجویری از خداوند درخواست اتمام این رساله به بهترین وجه ممکن را دارد. مرسوم است که عالمان دینی و بزرگان برای تحیت و تبرک هر نوشتاری را با حمد و ستایش خداوند شروع می‌کردند.

استدعای تو، پاره گفتارهای ترغیبی: مولف کتاب را به درخواست دوستش ابوسعید هجویری نگارش می‌کند.

اسعدك الله: خداوند تو را سعادت دهد: جمله دعایی درخواست سعادت و نیکبختی برای دوستش ابوسعید هجویری؛ فعل جمله درخواستی است بنابراین پاره گفتار ترغیبی است.

«قیام کردم بر تمام کردن مراد تو از این کتاب و عزمی تمام کردم» (هجویری، ۱۳۷۶: ۱). در این عبارت هجویری می‌گوید: عزمم را جزم و اراده‌ام را تمام کردم و متعهد شدم که درخواست تو را عملی کنم؛ بنابراین کنش گفتاری از نوع تعهدی است.

من این کتاب را کشف‌المحجوب نام کردم (هجویری، ۱۳۷۶: ۱). کشف‌المحجوب یعنی پرده از نقاب حقیقت برداشتن. هجویری اذعان می‌دارد که نام این کتاب را کشف‌المحجوب نهادم تا حجاب‌هایی که مانع رسیدن به معرفت و کمال است کنار بزنم و حقایق را برای سالک طریقت آشکار سازم. در این عبارت گوینده درصدد انجام فعلی است که کنش گفتاری اظهاری است.

«بالله العون والتوفیق»: در این عبارت هجویری امور را به خداوند تفویض می‌کند و از او یاری و توفیق می‌طلبد. پاره گفتار ترغیبی است. با توجه به اینکه در آغاز سخن می‌گوید: استخاره کردم و اغراضی که به نفس کس بازمی‌گشت از دل ستردم و به حکم تو قیام کردم. اکنون امور را به خداوند واگذار می‌کند. هجویری برای انسان موحد دو ویژگی اصلی قائل است. با استناد به قول التوحید دون الجبر و فوق القدر. موحد جبری قول و قدری فعل است تا روش وی اندر میانه جبر و اختیار به روش متعادل برسد و موحد محسوب شود. با توجه به اظهار عقیده‌اش پاره گفتار کنش اظهاری دارد (هجویری، ۱۳۷۶: ۱).

«فصل»: پاره گفتاری است که بارها در کشف‌المحجوب تکرار شده است و بیانگر آغاز مطلب و شرح و تفسیر است همان‌طور که بیان شد شرح و تفسیر دال بر کنش اظهاری است.

عبارت‌های دعایی مانند صلعم، رضی الله عنه، رح، تاب‌الله، عم، رض، لحالله، قواک‌الله و... از پاره‌گفتارهای دعایی است و در کشف‌المحجوب بسامد بالایی دارد و کنش گفتاری ترغیبی است. «آنچه به ابتدای کتاب به نام خود اثبات کردم مراد از این دو چیز است یکی نصیب خاص و دیگر نصیب عام (هجویری، ۱۳۷۶: ۱)». «که چون جهله کتابی نو ببینند که نام مصنف آن به چند جایی بر آن مثبت نباشد نسبت آن کتاب به خود کنند و آنچه نصیب خاص بود آن است که چون کتابی ببینند و دانند که مؤلف در آن فن و علم عالم بوده است و محقق، رعایت حقوق آن بهتر کنند و بر خواندن آن و یاد گرفتن بجدتر باشند» (هجویری، ۱۳۷۶: ۲).

مؤلف علت آوردن نام خود را در آغاز کتاب شرح داده است: یکی به دلیل اینکه عوام کتاب را به نام خود ثبت نکنند و خاص هم رعایت حقوق آن را بهتر نمایند. هجویری نام خود را در چندین جای ثبت کرده است؛ بیان هدف از افعال کنش اظهاری است.

«یکی دیوان شعرم بود کسی بخواست و باز گرفت و اصل نسخه جز آن نبود آن جمله را بگردانید، نام من از سر آن بیفکند و رنج مرا ضایع کرد (هجویری، ۱۳۷۶: ۲). پاره‌گفتار کنش عاطفی است. مؤلف احساس و حالت درونی خود را بیان می‌کند و شکایت خود را از عملکرد شخص مورد نظر بیان می‌کند.

«خواص بر او خندیدندی»: بیان احساس درونی است. بنابراین پاره‌گفتار کنش عاطفی دارد. «والله اعلم بالصواب»: خداوند به کار درست عالم‌تر است. بیان واقعیت دال بر کنش اظهاری است.

«و آنچه گفتم طریق استخاره سپردم مراد از آن حفظ آداب خداوند خود که مر پیغمبر خود را صلعم و متابعان وی را فرمود فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (هجویری، ۱۳۷۶: ۲). هجویری در این پاره‌گفتار عبارت استخاره سپردم را توضیح می‌دهد. مراد از استخاره رعایت آداب خداوند است که پیامبر فرمود هنگامه قرائت قرآن از شر شیطان و وسوسه‌های او به خداوند پناه می‌برم. رعایت ادب در نزد عرفا بسیار ارزشمند است؛ چنانچه مولوی در مثنوی می‌گوید:

از خدا جویم توفیق ادب بی‌ادب محروم ماند از لطف رب

(مثنوی، ۱۳۷۹: ۱۵: بیت ۷۸)

نکته حائز اهمیت این است که هجویری همواره از قول پیامبر صلوات الله و آرا و اقوال مشایخ تصوف برای تبیین و مستدل کردن پاره گفتارهای خود بهره می‌گیرد. بنابراین این پاره گفتار شرح و تفسیر و دلیل آوردن است که کنش گفتاری اظهاری است.

«صلاح بندگان خداوند بهتر داند و خیر و شری که به بنده رسد مقدر است جز تسلیم چه روی باشد مر قضا را» (هجویری، ۱۳۷۶: ۳) و یاری خواستن از وی (هجویری، ۱۳۷۶: ۲). هجویری در این پاره گفتار درصدد تبیین عقیده اشعری است. اشاعره معتقدند خیر و شر امور بنده در دست خداوند است و بنده تنها کاسب عمل است. خیر و شر آدمی مقدر است جز تسلیم در برابر قضا گزیری نیست. تبیین کردن دال بر کنش گفتاری اظهاری است و یاری خواستن بنده از خداوند کنش گفتار ترغیبی است.

«یکی از مدعیان رکیکه که کرای گفتار او ندارد» (هجویری، ۱۳۷۶: ۲). این پاره گفتار احساس گوینده را نسبت به رقیبان و حاسدان بیان می‌کند؛ بنابراین عبارت کنش عاطفی دارد.

«پس باید که بنده در همه اشغال بدو استخاره کند تا باشد که خداوند تعالی وی را از خطر و خلل و آفت آن نگاه دارد» (هجویری، ۱۳۷۶: ۳). کشف‌المحجوب اولین و قدیمی‌ترین کتاب تصوف به زبان فارسی و اثری تعلیمی است و هدف مؤلف آموزش مریدان و راهیان تصوف است. در این پاره گفتار تشویق به انجام امور خیر از کنش گفتارهای ترغیبی است.

«اندر هرکاری که غرض نفسانی اندر آید برکت از آن برخیزد و دل از طریق مستقیم به محل اعوجاج و مشغولی اندر افتد» (هجویری، ۱۳۷۶: ۳). هجویری در این پاره گفتار به این موضوع می‌پردازد که هوای نفس برکت را از زندگی آدمی می‌برد و او را گرفتار دل مشغولی و اعوجاج می‌کند. با توجه به تبیین موضوع برای شاگردان و مریدان کنش گفتاری اظهاری است.

«در دوزخ را کلید به جز حصول مراد نفس نیست» (هجویری، ۱۳۷۶: ۳). هجویری به عنوان یک عالم دینی و صوفی صافی نتیجه پیروی از هوای نفس را آتش دوزخ می‌داند. نتیجه‌گیری دال بر کنش اظهاری است.

«لا محاله بر من واجب شد حق سوال تو گذاردن» (هجویری، ۱۳۷۶: ۳). پاره گفتار تعهدی است. هجویری در این عبارت خود را متعهد به انجام عهد و پیمان با دوستش ابوسعید می‌داند.

هجویری یک صوفی متشرع و پایبند به سنت الهی است. وفای به عهد در منابع دینی بارها تأکید شده است. در آیه: «الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ» (رعد: ۲۰). (کسانی که به عهد خدا وفا می‌کنند و خود پیمان نمی‌شکنند).

«قصد بنده چون در ابتدای عمل وی به نیت مقرون بود اگر چه وی را اندران عمل خلل پدیدار آید بنده بدان معذور می‌باشد و از آن باشد که پیغمبر (صلعم) گفت نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ» (هجویری، ۱۳۷۶: ۴). هجویری در این پاره گفتار بیان می‌کند که اگر بنده‌ای عمل خود را با نیت شروع کند اگر چه در کارش خلل پدید آید بنده مقصر نیست و معذور است. فعل شرط دال بر کنش گفتاری ترغیبی است. در آموزه‌های دینی همواره به اخلاص در عمل تأکید شده حدیث معروف «الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» گواه است.

هجویری شاگردان و رهروان طریقت را به نیت کردن در ابتدای هر عملی تشویق می‌کند و برای حقانیت توصیه‌هایش همواره از اقوال و آرای بزرگان دین و مشایخ تصوف شاهد می‌آورد. در این پاره گفتار قول پیامبر صلوات الله که فرمودند نیت کردن به ابتدا عمل بهتر از ابتدا کردن عمل بی‌نیت است.

«آنچه گفتم این کتاب را کشف‌المحجوب نام کردم. مراد آن بود که تا نام کتاب ناطق باشد بر آنچه در کتاب است» (هجویری، ۱۳۷۶: ۴). هجویری در این پاره گفتار صداقت در گفتار و عمل را بیان می‌کند (هجویری، ۱۳۷۶: ۴). بیان صداقت از افعال کنش گفتاری اظهاری است. نویسنده قصد و مرادش از نوشتن این کتاب معرفت‌شناسی صوفیه از خداوند و هستی، تعیین اولویت‌ها در طی مقامات و منازل، اهم آموزه‌های معرفتی و سلوکی و مهم‌تر از آن بازتاب افعال روحانی آن‌ها در سیر و عوالم جهان و کشف حجاب و شهودهای صوفیانه است. پس نام کتاب ناطق منظور نویسنده است. در ادامه می‌گوید: «به حقیقت کشف، هلاک محجوب باشد همچنان که حجاب، هلاک مکاشف» (هجویری، ۱۳۷۶: ۴). در ادامه به صراحت می‌گوید: «چون این کتاب اندر بیان راه حق بود و شرح کلمات و کشف حجب بشریت جز این نام وی را اندر خور نبود» (هجویری، ۱۳۷۶: ۴).

«اما حجاب دو است یکی حجاب رینی و این هرگز برنخیزد و یکی حجاب غینی که زود برنخیزد». هجویری در این پاره گفتار انواع حجاب‌های طریقت را شرح می‌دهد. حجاب‌ها را را به دو

دسته رینی و غینی تقسیم می‌کند و هر کدام را شرح و تفسیر می‌نماید. فعل شرح دادن دال بر کنش گفتاری اظهاری است.

«نعود بالله من ذلك»: (هجویری، ۱۳۷۶: ۵). پناه می‌برم به خداوند از هر دو حجاب رینی و غینی، پاره گفتار دعایی و کنش گفتار ترغیبی است.

کشف‌المحجوب کتاب تعلیمی صوفیه است. هجویری به تشریح انواع حجاب‌ها می‌پردازد و در ادامه می‌گوید «رین از جمله وطناتست و غین از جمله خطرات. وطن پایدار بود و خطر طاری» (هجویری، ۱۳۷۶: ۵). در این پاره گفتار نیز به تشریح حجاب‌ها می‌پردازد. پس پاره گفتار اظهاری است. «چنانچه از سنگ آسیاب آینه نتوان کرد اگر چه صقالان بسیار مجتمع گردند و باز آینه چون زنگ گیرد به مصله صافی شود» (هجویری، ۱۳۷۶: ۵). هجویری بارها در این اثر تعلیمی تمثیل‌های زیبایی می‌آورد تا موضوع مورد نظر را تفهیم کند. پاره گفتار کنش گفتاری اظهاری است.

«من این کتاب را ساختم که صقال دل‌ها بود که اندر حجاب غبن گرفتار باشد و مایه نور حق اندر دلشان موجود باشد تا به برکت این کتاب حجاب برخیزد» (هجویری، ۱۳۷۶: ۶). هجویری نام کتاب خود را کشف‌المحجوب نهاد و قصد او از نگارش اثر رفع حجب از دل سالک و مرید است؛ بنابراین پاره گفتار کنش اظهاری دارد.

«بیان کن مرا آن در تحقیق طریقت تصوف و کیفیت مقامات ایشان و چگونگی محبت خداوند و کیفیت اظهار آن بر دل‌ها» (هجویری، ۱۳۷۶: ۵). و سبب حجاب عقول» (هجویری، ۱۳۷۶: ۷). فعل پاره گفتار درخواست است و درخواست کردن از افعال ترغیبی است؛ بنابراین کنش گفتار ترغیبی است.

«بدان که اندرین زمانه ما این علم به حقیقت مندرس گشته است خاصه اندرین دیار که خلق جمله مشغول هوا گشته‌اند و معرض از طریق رضا و علمای روزگار و مدعیان وقت را از این طریقت صورت برخلاف اصل آن بسته است» (هجویری، ۱۳۷۶: ۷). هجویری در این عبارت اوضاع جامعه و صوفیان متظاهر را بیان می‌کند. عرفان همچون پدیده‌های دیگر اجتماعی تحت تأثیر تحولات اجتماعی، نمودهای گوناگونی یافته است. گاه در اوضاع اجتماعی و اعتقادی ناسالم و بیمارگونه، سیری قهقرایی و رو به ابتدال پیدا کرده و گاه در فضای سالم‌تر روندی ناب و روحانی داشته است. در تصوف اسلامی، همین وضعیت متحول باعث ظهور دغدغه‌هایی در برخی عرفا و

صوفیه نامدار شده است. بنابراین هجویری به قصد اصلاح طریقت تصوف و عرفان و زدودن آرایش‌ها و تهمت‌ها از دامن آن گوشزد می‌کند و به نقد کسانی که تصوف را روشی برای امرار معاش و گذراندن زندگی خود قرار داده‌اند، می‌پردازد. در این پاره گفتار علاوه بر نقد، فحوای کلام دغدغه و تأسف هجویری را نشان می‌دهد. بنابراین کنش گفتار اظهاری و عاطفی است.

«پس بیازید همت به چیزی که دست اهل زمانه را باسرها از آن کوتاه است به جز خواص حضرت حق» (هجویری، ۱۳۷۶: ۷). هجویری بعد از انتقاد از تصوف مبتدل در جامعه توصیه می‌کند که به معارف واقعی الهی و معاملات حقیقی چنگ بزنید. آنچه دست مردم اهل زمانه از آن کوتاه است و فقط خواص حضرت حق به آن راه دارند. توصیه از افعالی است که پاره گفتار ترغیبی می‌سازد.

«خاص و عام خلق از آن به عبارت بسند کرده‌اند و حجاب آن را بجان خریدار گشته‌اند و کار از تحقیق به تقلید افتاده و تحقیق روی از روزگار ایشان پوشیده و عوام بدان پسند کرده گویند که ما حق را همی‌شناسیم و خواص بدان خرسند شده که اندر دل تمنی یابند و اندر نفس هاجمی و اندر صورت میل بدان سرا از سر مشغولی گویند» (هجویری، ۱۳۷۶: ۷). هجویری در این عبارت انتقاد از اوضاع جامعه می‌کند (هجویری، ۱۳۷۶: ۵). «تصوف حقیقی رنگ باخته خاص و عام به عبارت و ظواهر بسنده کرده‌اند و حجاب عبارات تصوف حقیقی را به تقلید صرف تبدیل کرده و حقیقت تصوف بر مردم پوشیده شده و عوام تنها به ظاهر راضی گشته و خواص مردم نیز آرزوهای دل و وسوسه‌های ظاهری را شوق و اشتیاق می‌نامند» (هجویری، ۱۳۷۶: ۵). پاره گفتار نقد اوضاع جامعه و فعل نقد دال بر کنش گفتاری اظهاری است.

«اما آنچه گفتم مقصودت معلوم شد و سخن اندر غرضت مقسوم» (هجویری، ۱۳۷۶: ۷). اظهارات و ادعاها کنش گفتاری اظهاری‌اند.

هجویری برای تفهیم اصول طریقت و مستدل کردن گفتار خود از آرا و اقوال مشایخ و بزرگان و گاه از تمثیل بهره گرفته است. همان‌گونه که مولوی عارف قرن هفتم اشارات و رموز عرفانی را در قالب تمثیل و حکایت‌ها بیان کرده است. در بیان اینکه هر کس به اندازه ظرفیت خود از معارف الهی بهره می‌گیرد و داروی هر درد متناسب با آن درد است و اگر علم طریقت و کتب مشایخ به دست نااهلان بیفتد؛ حکایت باز ملک که بر دیوار پیرزن می‌نشیند و پیرزن پروبالش را

برمی‌چیند. «لامحاله چون باز ملک بر دیوار سرای پیرزن نشیند پر و بالش بیرند» (هجوی، ۱۳۷۶: ۸). آوردن شاهد مثال برای بیان موضوع کنش گفتار اظهاری است.

«خداوند ما را اندر زمانه‌ای پدید آورده است که اهل آن هوا را شریعت نام کرده‌اند و طلب جاه و ریاست و تکبر را عز و علم و ریا خلق را خشیت و نهان داشتن کینه را اندر دل حلم و مجادله را مناظره ...» (هجوی، ۱۳۷۶: ۵)؛ کنش گفتاری این پاره گفتار اظهاری عاطفی است. هجویری در نقد اهل زمانه می‌گوید مردم زمانه هوای نفس را شریعت و جاه و مقام را عزت می‌دانند و به‌طور ضمنی شکایت از مردم روزگار دارد.

پس خداوند، تعالی این عالم را محل حجاب بداشته است تا طبایع هر یک در عالم، خود را به فرمان وی طمانینت یافته‌اند و به وجود خود از توحید محبوب گشته و ارواح اندر عالم بمنزاج وی مشغول گشته و به مقارنه از محل اخلاص پوشیده گشته تا آدمی در مظلمه غفلت به هستی خود محبوب گشته و در محل خصوصیت به حجاب خود معیوب گشته (هجوی، ۱۳۷۶: ۹).

هجوی در این پاره گفتار آفرینش و مراتب وجودی، انسان را شرح و تفسیر می‌کند. عالم محل حجاب انسان‌ها است و طبایع حجاب توحیدند و ارواح در این عالم دنیایی می‌شوند و با مقارنه و هم‌نشینی با این عالم از اخلاص و قرب الهی دور مانده‌اند و عقول از ادراک اسرار الهی محجور مانده‌اند و اسرار و رموز از ارواح پوشیده شده و وجود آدمی حجاب او شده است. شرح و تفسیر دلالت بر کنش‌های اظهاری دارد و به دنبال آن برای استناد به گفته‌هایش از قول پیامبر (ص) بهره می‌گیرد که می‌فرماید: «خلق الله الخلق فی ظلمه ثم القی علیه نورا» (هجوی، ۱۳۷۶: ۱۰). خداوند انسان را در ظلمت آفرید سپس بر او نورافشانی کرد. مستند کردن دال بر کنش گفتاری اظهاری است.

«اکنون من ابتدا کنم و مقصود تو را اندر مقامات و حجب پیدا کنم و به بیانی لطیف آن را مبسوط کنم» (هجوی، ۱۳۷۶: ۵). کنش گفتاری تعهدی عاطفی است. مؤلف ضمن تعهددادن به نگارش کتاب شیوایی و بلاغت را منظور دارد.

«بدان که علم بسیار است و عمر کوتاه و آموختن جمله علوم بر مردم فریضه نه چون علم تب و نجوم از این علوم هریک بدان مقدارکی به شریعت تعلق دارد» (هجویری، ۱۳۷۶:۱۱). واژه بدان به معنی آگاه باش برای تنبیه و هشدار به کار می‌رود. پس پاره گفتار ترغیبی است.

«و باید که علم مقرون عمل باشد» (هجویری، ۱۳۷۶:۱۱). پاره گفتار کنش ترغیبی است. زیرا واژه باید دال بر ضرورت انجام عملی است.

«آدمی از مظلّمه غفلت به هستی خود محجوب گشته» (هجویری، ۱۳۷۶:۹). کنش گفتار اظهاری عاطفی بیان ویژگی‌های انسان و تاسف به جایگاه او در دنیا است.

«و از عوام گروهی دیدم که علم بر عمل فضل نهادند و گروهی عمل بر علم و این هر دو باطل است» (هجویری، ۱۳۷۶:۱۳). کنش گفتاری اظهاری توصیف مردم زمانه و رد عقاید آن‌ها.

«و گروهی از ملحدّه که متعلق بدین طریق دارند گویند که علم ما به هیچ درست نیاید پس ترک علم ما را تمام‌تر از اثبات آن باشد» (هجویری، ۱۳۷۶:۱۷). هجویری اذعان می‌دارد که گروهی از ملحدان و مخالفان تصوف بر این عقیده‌اند که علم ما به هیچ وجه درست نیست. پس ترک علم برای ما بهتر است. عبارت بیان عقیده سوفسطائیان درباره علم تصوف و مخالفت با آرای آن‌ها است که فعل بیان کردن کنش گفتاری اظهاری است.

در رد نظر ملحدان چنین می‌گوید: «و این از حمق و ضلالت جهالت ایشان بود که ترک علم از دو بیرون نباشد: یا به علمی بود یا به جهلی. پس علم مر علم را نفی نکند و ضد نیابد و به علم ترک علم محال باشد، ماند اینجا جهل، و چون درست شد که نفی علم جهل باشد و ترک آن به جهل بود و جاهل مذموم باشد و جهل قرینه کفر، باطل باشد که حق را به جهل تعلق باشد» (هجویری، ۱۳۹۳:۱۴). عبارت اثبات عقیده تصوف و رد سفسطائیان علم عرفان است؛ پس کنش گفتاری اظهاری است.

«اما این جمله از نتیجه فتور زمانه است و آفت‌هایی که پدیدار آمده است و خداوند تعالی پیوسته اولیای خود را اندر میان قومی مستور داشته است و آن قوم را از جهت ایشان اندر میان خلق مهجور داشته» (هجویری، ۱۳۹۳:۱۸). هجویری در این پاره گفتار به نقد منتسبان علم که کلاه رعونت را عزت می‌دانند و پیروی از هوای نفس را سنت، این‌ها نتیجه فتور زمانه و آفت‌هایی است که در پی

دارد که خداوند اولیای خود را از اهل زمانه‌ای که انکار می‌کنند پنهان می‌دارد. که اشاره به حدیث قدسی: اولیایی تحت قیابی لا یعرفهم غیری دارد.

و هرکه از علم توحید به عبارت بسنده کند و از اضدادان روی نگرداند زندقه شود (هجوی، ۱۳۹۳: ۱۵). کنش گفتاری اظهاری است و عبارت اثبات توحید است.

«اما علمای غافل آنان که دنیا را قبله خود گردانیده‌اند و از شرع آسانی اختیار کرده و پرستش سلاطین را بر دست گرفته و درگاه ایشان را طواف گاه خود قرار داده‌اند» (هجوی، ۱۳۹۳: ۲۰). هجوی در این پاره گفتار با نگاهی تأسفبار به نقد علمای ظاهر و صوفیان ناخالص می‌پردازد. بنابراین کنش گفتاری اظهاری عاطفی است.

درباره فقرای می‌گوید:

اما فقرای مداهنین آنان باشند که چون فعل کسی بر موافقت هواء وی باشد اگرچه باطل بود بر آن فعل وی را مدح کنند و چون بر مخالفت هواء ایشان کارکنند اگرچه حق بود بدان ذم کنند وی را (هجوی، ۱۳۹۳: ۲۰).

پاره گفتار به نقد فقرای چاپلوس و فرصت طلب می‌پردازد؛ پس کنش گفتاری اظهاری است. «اما متصوف جاهل آن بود که صحبت پیری نکرده باشد و از او ادب نیافته و گوشمال زمانه نکشیده و به نایبایی کبودی اندر پوشیده است» (هجوی، ۱۳۹۳: ۲۰). هجوی بعد از نقد علمای غافل و فقرای مداهنین ویژگی‌های تصوف جاهلان را بیان می‌کند. بیان ویژگی‌ها از کنش‌های گفتاری اظهاری است.

و سرانجام در پاره گفتار ترغیبی مرید را از صحبت آن‌ها برحذر می‌دارد. «مرید را از صحبت ایشان اعراض فرمود» (هجوی، ۱۳۹۳: ۲۰).

در ادامه به کنش گفتاری دیگر پاره گفتارهای کشف‌المحجوب به‌طور خلاصه و در جدول و فهرست‌وار اشاره می‌کنیم:

ردیف	پاره گفتار	نوع کنش گفتاری	توضیحات
۱	ما امور جمله به خداوند تعالی تسلیم کردیم تا در بار ضلالت خود همی‌باشند.	اظهاری	بیان کردن یا توصیف حال

ردیف	پاره گفتار	نوع کنش گفتاری	توضیحات
۲	چرا باید که همگان را بر ایشان قیاس گیرند و اندر معاملات ایشان مکابره عیان بر دست گیرند و قدر ایشان در زیر پای آرند؟	ترغیبی	سوال کردن
۳	خداوند تعالی مر فقرا را مرتبتی و درجتی بزرگ داده است و مر فقرا را بدان مخصوص گردانیده	اظهاری	بیان کردن
۴	تا به ترک اسباب ظاهری و باطنی گفته‌اند. پس زندگانی دوستان حق به الطاف خفی و اسرار بهی است با حق	اظهاری	نتیجه گیری
۵	گوییم: این شرکت اندر اسم است نه در معنی	اظهاری	اذعان کردن
۶	که شرکت معنی را مماثلت باید	ترغیبی	لازم بودن
۷	چون صفات وی قدیم است و از آن خلق محدث، این دلیل باطل بود.	اظهاری	دلیل آوردن
۸	و من همی گویم که علی بن عثمان الجلابی	اظهاری	اذعان کردن
۹	گوییم: بر نعمت شکر فرمود و شکر را علت زیادت نعمت گردانید.	اظهاری	تبیین کردن
۱۰	و بر فقر صبر فرمود و صبر را علت زیادت قربت گردانید.	اظهاری	تبیین کردن

ردیف	پاره گفتار	نوع کنش گفتاری	توضیحات
۱۱	من که علی بن عثمان جلابی ام وفقنی الله چنین گویم	اظهاری	اذعان کردن
۱۲	که: چون درست شد که غنای بر حقیقت بر بقای صفت درست نیاید که بقای صفت محل علت بود به دلایل مذکور و موجب آفت و فنای صفت خود غنا نباشد؛ ازیرا که هر چه به خود باقی نباشد آن را نامی ننهند.	اظهاری	علت آوردن
۱۳	اینجا لطیفه‌ای عجیب است.	عاطفی	تعجب کردن
۱۴	گوییم که: اندر تحقیق محبت، عذر بیگانگی باشد و عتاب مخالفت.	اظهاری	شرح دادن
۱۵	و دوستان اندر محلی باشند که این هر دو اندر احوال ایشان آفت نماید. آن را که نامش از حق فقر است، اگرچه امیر است، فقر است.	اظهاری	تفسیر کردن
۱۶	چون طالب بترک ملکیت بگفت، شرکت از میان برخاست و از هر دو اسم فارغ شد.	اظهاری	تفسیر کردن
۱۷	این معنی سخت غامض و لطیف است به نزدیک اهل این معنی.	اظهاری - عاطفی	بیان کردن و احساس پیچیدگی و لطافت
۱۸	ای شما که درویشانید، شما را به خداوند	ترغیبی	اخطار دادن

ردیف	پاره گفتار	نوع کنش گفتاری	توضیحات
	شما شناسند و از برای وی را کرامت کنند.		
۱۹	بنگرید تا اندر خلاً با وی چگونه می‌باشید.	ترغیبی	هشدار دادن
۲۰	یعنی چون خلق شما را درویش خوانند، حق شما را بگذارند.	اظهاری	دلیل آوردن
۲۱	شما حق طریقت درویشی چگونه خواهید گذارد؟	ترغیبی	سوال کردن
۲۲	و فی‌الجمله درویش در کل معانی فقر عاریت است و اندر کل اسباب اصل بیگانه.	اظهاری	بیان کردن
۲۳	و دیدم گروهی را از مدعیان ارباب‌اللسان که نفی کمالشان از ادراک این قصه، می‌نفی وجود نمود.	اظهاری	ادعا کردن
۲۴	و این خود سخت عزیز است.	عاطفی	بیان احساس
۲۵	و دیدم که نفی مرادشان از حقیقت فقر می‌نفی صفت نمود اندر عین فقر	اظهاری	ادعا کردن
۲۶	و دیدم که نفی طلب حق و حقیقت را می‌فقر و صفوت خوانند.	اظهاری	ادعا کردن
۲۷	و دیدم که اثبات هوشان می‌نفی کل	اظهاری	ادعا کردن

ردیف	پاره گفتار	نوع کنش گفتاری	توضیحات
	نمود.		
۲۸	و هرکس اندر درجتی از حجت فقر اندر مانده بودند؛ از آنچه پندار این حدیث مرد را علامت کمال و ولایت بود و بوی نهمت این حدیث غایة الغایات. به عین این تولا کردن محل کمال است.	اظهاری	ادعا کردن
۲۹	پس طالب این قصه را چاره نیست از راه ایشان رفتن و مقاماتشان سپردن و عبارت ایشان بدانستن.	ترغیبی	لازم دانستن
۳۰	و این جمله آن را گفتم تا راه این معانی بسپری و به رعایت حق آن مشغول باشی	ترغیبی	دستور دادن
۳۱	و اندر این زمانه بیشترین خلق را خداوند عز و جل از این قصه و اهل این محجوب گردانیده است و لطیفه این قصه بر دل‌های ایشان پوشانیده.	اظهاری	بیان کردن
۳۲	همه صحابه به رفتن پیغمبر علیه السلام به حضرت معلا و مکان شکسته دل گشته بودند.	عاطفی	بیان اندوه
۳۳	و گفتم که صفا ضد کدر بود و کدر از صفات بشر بود و بحقیقت صوفی بود آن	اظهاری-عاطفی	بیان کردن و توصیف احساس درونی

ردیف	پاره گفتار	نوع کنش گفتاری	توضیحات
	که او را از کدرگذر بود.		
۳۴	پس صوفی آن بود که از خود فانی بود و به حق باقی از قبضه طبایع رسته و به حقیقت پیوسته.	اظهاری	نتیجه‌گیری
۳۵	و متصوف آن که به مجاهدت این درجه را می‌طلبند و اندر طلب خود را در معاملت ایشان درست همی‌کند و مستصوف آن که از برای منال و جاه و حظ دنیا خود را مانند ایشان کرده باشد.	اظهاری	نتیجه‌گیری
۳۶	و چون عوامل اندر اهل زمانه نگرستند و مر مترسمان متصوفه را بدیدند و بر پای کوفتن و سرود گفتن و به درگاه سلطانان رفتن و از برای لقمه و خرقه خصومات کردن ایشان مشرف شدند، اعتقاد بجمله بد کردند و گفتند که: اصل این طریق همین است.	اظهاری	بیان کردن
۳۷	بدان که اهل طریقت‌ها تباه شوند اما اصل طریقت‌ها تباه نشود و گروهی هزل که هزل خود را اندر حد احرار پنهان کنند، جد ایشان هزل نشود.	ترغیبی	هشدار دادن

ردیف	پاره گفتار	نوع کنش گفتاری	توضیحات
۳۸	بدان که لبس مرقعه شعار متصوفه است؛ و لبس مرقعات سنت است.	ترغیبی	هشدار دادن
۳۹	و اگر اکنون برخی از اهل زمانه را مراد اندر لبس مرقعات و خرق، جاه و جمال خلق است و یا به دل موافق ظاهر نیستند و روا باشد.	اظهاری	بیان کردن
۴۰	که اندر لشکر مبارز یکی باشد و در جمله طوایف محقق اندک باشد. پس بر تو بادا که هر چه از آن تو نگردد قصد آن نکنی.	ترغیبی	توصیه کردن
۴۱	که اگر هزار سال تو به قبول طریقت بگویی چنان نباشد که یک لحظه طریقت تو را قبول کند؛ که این کار به خرقه نیست به خرقه است.	اظهاری	تاکید کردن
۴۲	در جمله مرقعه زینت اولیای خدای عز و جلّ است. عوام بدان عزیز گردند و خواص اندر آن ذلیل شوند.	اظهاری	شرح دادن
۴۳	عزّ عامه آن بود که چون بپوشند خلقانش بدان حرمت دارند و ذل خاص آن بود که چون آن بپوشند خلق اندر ایشان به چشم عوام نگرند و مر ایشان را بدان	اظهاری	تفسیر کردن

ردیف	پاره گفتار	نوع کنش گفتاری	توضیحات
	ملامت کنند.		
۴۴	اما باید که باطنت طلب تحقیق کند و از رسول معرض باشد.	ترغیبی	ضرورت داشتن
۴۵	و من که علی بن عثمان الجلابی ام و فقی الله از شیخ المشایخ، ابوالقاسم کرکانی رضی الله عنه در طوس پرسیدم که: «درویش را کمترین چه چیز باید تا اسم فقر را سزاوار گردد؟».	ترغیبی	سوال کردن
۴۶	گفتم: پاره راست آن بود که به فقر دو زند نه به زینت	اظهاری	اذعان کردن
۴۷	چون رقعہ اگر به فقر دوزی اگر ناراست دوزی راست بود؛ و سخن راست شنیدن آن بود که به حال شنود و نه به مُنیت.	اظهاری	تفسیر کردن
۴۸	من که علی بن عثمان الجلابی ام و فقی الله این طریق را پسندیده‌ام و اندر اسفار خود همین کرده‌ام.	اظهاری	ادعا کردن
۴۹	نفس آدمی معتاد است و با عادات مر آن را الفتی بود و چون چیزی وی را عادت شد، چون طبیعتی شود؛ و چون طبع شد حجاب گردد.	اظهاری	شرح دادن

ردیف	پاره گفتار	نوع کنش گفتاری	توضیحات
۵۰	اما معنی آن که بیشترین جامه‌های ایشان چرا کبود باشد: یکی آن است که اصل طریقت ایشان بر سیاحت و سفر نهاده‌اند و جامه سفید اندر سفر بر حال خود نماند و شستن وی دشوار باشد و هر کسی بدان طمع کند؛ و دیگر آن که کبود پوشیدن شعار اصحاب فوات و مصیبات است و جامه اندوهگنان.	اظهاری	شرح دادن
۵۱	لباسی که سبب پوشیدن آن قرب خداوند بود و بر موافقت اولیای خدای تعالی پوشیده باشند مداومت بر آن مبارک بود.	اظهاری-عاطفی	بیان کردن و توصیف حال خود
۵۲	اگر به حق آن زندگانی توانی کرد؛ و اگر نه دین خود را صیانت باید کرد و اندر جامه اولیا خیانت روا نباشد.	ترغیبی	بایستن
۵۳	که مسلمانی بر تحقیق باشی بی دعوی بهتر از آن که ولی بر تکذیب.	اظهاری	شرح دادن
۵۴	اما آن پوشنده که مرید را مرقعه پوشد باید که مستقیم‌الحال بود.	ترغیبی	بایستن
۵۵	که از جمله فراز و نشیب طریقت گذشته باشد و ذوق احوال چشیده و مشرب عمال	ترغیبی	بایستن

ردیف	پاره گفتار	نوع کنش گفتاری	توضیحات
	یافته و قهر جلال و لطف جمال دیده و باید که بر حال مرید خود مشرف باشد.		
۵۶	شرط مرقعه، پوشیدن کفن بود که امید از لذت حیات منقطع کنند و دل از راحت زندگانی پاک گردانند.	ترغیبی	شرط گذاشتن
۵۷	و مراد از این کتاب ما را نقل گفته‌ها نیست؛ که کشف مغلط‌هاست از مراد این طریقت	اظهاری	اذعان کردن
۵۸	اشارتی کردم بدان مقدار که این لطیفه فرو نشد و به جایگاه این حکم را تفصیل دهم؛ ان شاء الله عزّ و جلّ.	تعهدی	تعهد دادن
۵۹	در جمله چون کسی را آن معنی حاصل بود و مر آن را قبله دل خود گردانیده باشد، اگر او را فقر خوانند یا صوفی، هر دو نام اضطراری باشد مر آن معنی را که اندر تحت اسم نیاید. این است فرق میان فقر و صفوت معنوی.	اظهاری	تفسیر کردن
۶۰	اما صفوت و فقر معاملتی از روی تجرید دنیا و تخرلی دست از آن، آن خود چیزی دیگر است و حقیقت آن به فقر و مسکنت	اظهاری	شرح دادن

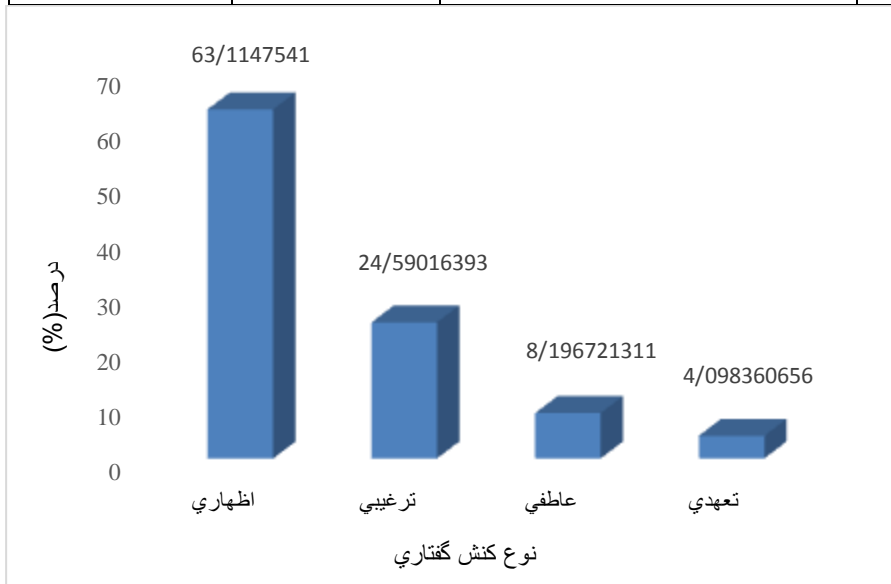
ردیف	پاره گفتار	نوع کنش گفتاری	توضیحات
	باز گردد.		
۶۱	مر ملامت را اندر خلوص محبت تأثیری عظیم است و مشربی تمام و اهل حق مخصوص اند به ملامت خلق از جمله عالم.	اظهاری	شرح دادن
۶۲	اصل عُجب از دو چیز خیزد: یکی از جاه خلق و مدح ایشان و آن که کردار بنده خلق را پسند افتد بر وی مدح کنند، وی بدان معجب شود و دیگر کردار کسی مر آن کس را پسند افتد و خود را شایسته داند، بدان معجب شود.	اظهاری	تفسیر کردن
۶۳	و می گویند که اندر آن زمانه مر ملامت را فعلی می بایست مستکر و پدید آمدن به چیزی به خلاف عادت.	اظهاری	ادعا کردن
۶۴	بدان که مذهب ملامت را اندر این طریقت آن شیخ زمانه خود، حمدون قصار، نشر کرده است و وی را اندر حقیقت ملامت لطایف بسیار است.	ترغیبی	دعوت کردن
۶۵	اندر حقیقت دوستی هیچ چیز خوش تر از ملامت نیست؛ خود را به مراد خود رسیده دیدی؟	ترغیبی	تشویق کردن

ردیف	پاره گفتار	نوع کنش گفتاری	توضیحات
۶۶	بدان جَبْرَك اللهُ که اندر زمانه ما گروهی‌اند که طاقت حمل ریاضت ندارند و بی ریاضت ریاست طلب کنند.	ترغیبی	هشدار دادن
۶۷	و همه اهل این قصه را چون خود پندارند. این قول از ایشان محال باشد؛ از آنچه خداوند تعالی هرگز زمین را بی حجت ندارد و هرگز این امت را بی ولی.	اظهاری	تأکید
۶۸	اما بدان که کتاب و سنت به ذکر رضا ناطق است و امت بر آن مجتمع‌اند.	ترغیبی	تشویق کردن
۶۹	و رضا بر دو گونه باشد: یکی رضای خداوند از بنده و دیگر رضای بنده از خداوند.	اظهاری	شرح دادن
۷۰	پس رضای خداوند تعالی مقدم است بر رضای بنده؛ که تا توفیق وی جل جلاله نباشد، بنده مر حکم ورا گردن نهد و بر مراد وی تعالی و تقدس اقامت نکند.	اظهاری	نتیجه‌گیری
۷۱	و باز آنکه به دنیا از وی راضی شود، وی اندر هلاک و خُسْران بود و آن رضای وی بجمله نیران بود.	اظهاری	شرح دادن
۷۲	و باز آنکه به بلا از وی راضی باشد، آن	اظهاری	شرح دادن

ردیف	پاره گفتار	نوع کنش گفتاری	توضیحات
	بود که اندر بلا مُبلی بیند و مشقت آن به مشاهدت مُبلی بتوان کشید.		
۷۳	و رنج آن به مسرت مشاهدت دوست به رنج ندارد.	اظهاری-عاطفی	بیان و توصیف حالت درونی
۷۴	و باز آنکه به اصطفای وی راضی باشد، آن مجبان وی اند که اندر رضا و سخط هستی ایشان عاریت بود.	اظهاری	بیان
۷۵	پس رضا به غیر، خسران بود و رضا بدو رضوان.	اظهاری	نتیجه گیری
۷۶	روا نباشد که از مقام خود اندرگذرد بی از آنکه حق آن بگذارد.	اظهاری	بیان کردن
۷۷	پس مقام عبارت بود از راه طالب و قدمگاه وی اندر محل اجتهاد و در جهت وی به مقدار اکتسابش اندر حضرت حق تعالی	اظهاری	نتیجه گیری
۷۸	و حال عبارت بود از فضل خداوند تعالی و لطف وی به دل بنده بی تعلق مجاهدت وی.	اظهاری	شرح دادن
۷۹	از آنچه مقام از جمله اعمال بود و حال از جمله افضال و مقام از جمله مکاسب و	اظهاری	شرح دادن

ردیف	پاره گفتار	نوع کنش گفتاری	توضیحات
	مقام از جمله مواهب.		
۸۰	بدان اعزک الله که: سکر و غلبه عبارتی است که ارباب معانی کرده‌اند از غلبه محبت حق تعالی.	اظهاری	شرح دادن
۸۱	و صحو عبارتی از حصول مراد	اظهاری	شرح دادن
۸۲	قانون مذهبش تفضیل تصوّف باشد بر فقر و معاملاتش موافق جنید باشد. حقیقت ایثار آن بود که اندر صحبت، حق صاحب نگاه دارد و نصیب خود اندر نصیب وی فروگذارد و رنج بر خود نهد.	اظهاری	شرح دادن
۸۳	مراد اینجا ایثار است و آن بر دو گونه باشد: یکی در صحبت، چنین که ذکرش گذشت و دیگر اندر محبت.	اظهاری	شرح دادن
۸۴	اثر شادی، اندر حال بیماری اندر روی وی.	عاطفی	بیان شادی
۸۵	هر یک را بساطی بگسترانم تا طالب را علم آن حاصل شود و علما را سلاح بود و مریدان را صلاح و محبان را فلاح و عقلا را نجاج.	اظهاری	شرح دادن
۸۶	و مقدمان هم بر این رفته‌اند؛ و معلوم	اظهاری	شرح دادن

ردیف	پاره گفتار	نوع کنش گفتاری	توضیحات
	نگردانیده‌اند که زمانه فطرت است و روزگار بلا، لامحاله چون حرص مر سلطان را به جور افکند و طمع مر عالم را به فسق و ریا مر زاهد را به نفاق هر آینه هوی نیز مر صوفی را به پای کوفتن و سرود گفتن افکند.		



نمودار مقایسه فراوانی کنش‌های مختلف گفتاری در کشف‌المحجوب

نتیجه:

۱. باتوجه به پرسش اول مبنی بر اینکه: متن کشف‌المحجوب هجویری به عنوان یک گفتمان براساس نظریه کنش‌های گفتاری سرل چگونه مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد؟ باید گفت کاربردشناسی زبان و نظریه کنش گفتاری در معناشناسی و گفتمان‌زبانی در کشف‌المحجوب، به

عنوان یک گفتمان دینی عرفانی چشم‌اندازهای نوی را در اختیار ما قرار می‌دهد. در این نظریه پاره گفتار به عنوان واحد تحلیل به‌شمار می‌آید. پاره گفتار می‌تواند عبارت‌هایی چند، یک عبارت یا یک واژه باشد. تحلیل پاره گفتارهای کشف‌المحجوب براساس طبقه‌بندی سرل یافته‌های ذیل را دارد.

۲. در رابطه با پرسش دوم مبنی بر اینکه بسامد کدام یک از کنش‌های گفتاری در متن مورد نظر بیشتر است؟ می‌توان گفت: بیشترین بسامد در این گفتمان مذهبی - عرفانی کنش گفتاری اظهاری با ۶۳٪ است. دومین کنشی که از بسامد بالاتری برخوردار است. کنش ترغیبی با ۲۴٪ از پاره کنش عاطفی با ۸٪ و چهارمین کنش گفتاری تعهدی با ۴٪ است و پنجمین کنش گفتاری اعلامی - اجرائی کمترین بسامد را به خود اختصاص داده است. اما در مورد پاره گفتارهای اعلامی چون نمونه‌های بارزی در متن مشاهده نشد از آوردن آن در نمودار خودداری کردیم .

۳. در رابطه با پرسش سوم پژوهش که دلایل بسامد بالا یا پایین کنش‌های گفتاری در متن کشف‌المحجوب چیست باید گفت نکته حائز اهمیت در کنش گفتارهای کشف‌المحجوب این است که این اثر به عنوان یک منبع تعلیمی حاوی اصول شریعت و طریقت از جمله شرح و تفسیر حجب و کیفیت مقامات و رموز و اشارات و چگونگی محبت خداوند و کیفیت اظهار آن بر دل‌ها و سبب حجاب عقول و آرامش روح با صفوت از مباحثی است که هجویری به آن پرداخته است. بنابراین کنش گفتاری اظهاری با هدف هجویری متناسب است.

درخصوص دیگر کنش‌ها از آنجا که هجویری یک مسلمان واقعی و صوفی صافی که عمل به شریعت را در همه احوال ضروری می‌دانست و پیروان طریقت را ملزم به پیروی از کتاب، سنت و اجماع می‌کرد. پس برای تربیت و ارشاد سالکان این راه کنش گفتاری ترغیبی با هدف او متناسب‌تر است. اما برای کنش عاطفی، باید اذعان کرد که هجویری تأسف متصوفان جاهل و سرزنش عالمان ریاکار و حزن و اندوه و تحسر بر اوضاع جامعه و فقرای مداهنین را در پاره گفتارهای عاطفی بیان کرده است. این نوع کنش گفتاری از نظر بسامد سومین میزان را دارد.

کنش‌های تعهدی: در چندین جای کشف‌المحجوب، هجویری خود را متعهد به تألیف کتاب و پاسخ به سوالات دوستش ابوسعید می‌کند.

کنش گفتاری اعلامی: کمترین بسامد را دارد؛ زیرا هجویری یکی از مشایخ زمان خود بوده و سمت اجرائی نداشته است. شاید بتوان بعضی از احکام و فتواهای او را کنش اعلامی به حساب آورد.

کتابنامه:

- آقا گل زاده، فردوس. (۱۳۹۲)، فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی، تهران: علمی.
- پایا، علی. (۱۳۸۳)، فلسفه تحلیل، مسائل و چشم‌اندازها، چاپ دوم، تهران: طرح نو.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و مهدی رجب‌زاده. (۱۳۹۸)، «تحلیل متن‌شناسی زیارتنامه حضرت امام رضا^(ع) برپایه نظریه کنش گفتاری»، مجله ذهن، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۴۳، پاییز و زمستان، ۵۴-۳۷.
- ترکاشوند، فرشید. (۱۳۹۲)، «تبادل بافتی در ترجمه از عربی به فارسی (با رویکرد کاربردشناسی)»، مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، دوره ۳، شماره ۷، تابستان، ۷۸-۵۹.
- حسینی معصوم، سید محمد و عبدالله رادمرد. (۱۳۹۴)، «تأثیر بافت زبانی - مکانی بر تحلیل کنش گفتاری با مقایسه فراوانی انواع کنش گفتاری در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم»، ماهنامه جستارهای زبانی، دوره ۶، شماره ۳، (چاپی ۳۴)، ۹۲-۶۵.
- زرقانی، سید علی و الهام اخلاقی. (۱۳۹۱)، «تحلیل ژانر شطح براساس نظریه کنش گفتاری»، فصلنامه علمی - پژوهشی ادبیات عرفانی، شماره ۶: ۸۰-۶۱.
- ساجدی، ابوالفضل. (۱۳۸۱)، «نظریه کنش گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن» مجله قیامت، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شماره ۲۶، ۱۳۰-۱۲۲.
- عبداللهی، علی. (تابستان ۱۳۸۴) «نظریه افعال گفتاری»، مجله پژوهش‌های فلسفی - کلامی، دانشگاه قم، شماره ۲۴، ۱۱۹-۹۱.
- کاکه‌رش، فرهاد. (۱۳۸۸)، «نشانه‌شناسی دریدا در غزلیات مولانا با تأکید بر ساختارشناسی»، فصلنامه عرفان اسلامی، سال ششم، شماره ۲۲: ۱۵۹-۱۳۱.
- لطفی‌پور ساعدی، کاظم. (۱۳۷۹) «درآمدی بر سخن کاوی»، مجله زبان‌شناسی، سال نهم، شماره اول.

- مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۷۹)، *مثنوی معنوی*، تصحیح رینو لد نیکلسون، تهران: موسسه نگاه.
- هجویری، ابوالحسن علی‌بن عثمان الجلابی. (۱۳۷۶)، *کشف‌المحجوب*، تصحیح و. ژکوفسکی، با مقدمه قاسم انصاری، تهران: طهوری.
- _____ . (۱۳۹۳)، *کشف‌المحجوب*، به کوشش فریدون آسیایی عشقی زنجانی، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی بیان.
- یول، جرج. (۱۳۸۳)، *کاربردشناسی زبان*، ترجمه محمد عموزاده مهدیرجی، منوچهر توانگر، تهران: سخن.
- Botha, J. (1991). *Speech act theory and new testament exegesis*. HTS, 472.
- Maingueneau, D. (1996) *les terms de l'analyse du discours*. Paris. Seuil.
- Searle, J. R. (1999) *speech Acts: An essay in the philosophy of language*, New York and Melborn: Cambridge University Press
- Crystal, D. (1985). *Dictionary Linguistics and phonetics*, Basil Blackwell Ltd, New York.
- Wodak, R. (2001). "The discourse-historical approach", In *methods of critical discourse analysis*, (Ed.), by R. Wodak and M. Merer, SAGE publications Ltd, London.